

گزارش مقدماتی بررسی باستان شناسی حوضه آبگیر سد تالوار (پنجاب)

دکتر حامد وحدتی نسب*

محمود حیدریان**

چکیده

پروژه بررسی حوضه آبگیر سد تالوار با هدف شناسایی و نجات بخشی محوطه هایی که در حوضه آبگیر سد قرار دارند؛ در پائیز و زمستان سال ۱۳۸۶ تعریف و اجرا شد. بررسی مزبور به صورت پیمایشی فشرده در محدوده حوضه آبگیر سد انجام گرفت و حاصل آن شناسایی ۱۷ محوطه باستانی از دوران مس سنگی تا دوره های متأخر اسلامی بود. تاریخگذاری محوطه ها بر اساس گونه شناسی و مطالعات مقایسه ای مجموعه های سطحی گردآوری شده انجام شد. محوطه های باستانی شناسایی شده در قالب سه گروه کلی پیش از تاریخی، تاریخی و اسلامی طبقه بندی گردیدند. قدیمی ترین یافته های بررسی، آثار سفالی معرف فرهنگ مس-سنگی شناخته شده در منطقه اند. پس از این مرحله، آثار محدودی از عصر مفرغ جدید و عصر آهن قابل مشاهده اند. منطقه با یک وقفه کوتاه روبرو شده تا اینکه بار دیگر زندگی در دوره تاریخی در آن به جریان افتاد و از این دوره تا دوره اسلامی شواهدی از وجود زندگی جوامع انسانی در آن به وفور مشاهده می شود. مقاله مذکور ابتدا به معرفی محوطه های مهم شناسایی شده در حوضه سد پرداخته و در ادامه با توجه به آثار سفالی بدست آمده، فرهنگ ها و تداوم سنتهای سفالی حوضه سد را مورد مطالعه قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: تالوار، بررسی باستان شناختی، زاگرس، محوطه های باستانی، مس-سنگی.

* استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس، Email: vahdati@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری باستان شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تربیت مدرس.

درآمد

منطقه تالوار (تلوار) علیرغم قرار گرفتن در منطقه زاگرس شمالی و توجه خاص باستان‌شناسان به این ناحیه و نیز موقعیت مناسبی که برای وجود زیستگاهها و استقرارهای فرهنگی در آن مشاهده می‌شود، تاکنون مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفته است. این امر زمانی تأسف بار و نگران کننده است که بدانیم تاکنون فعالیت‌های مهم و مشخص باستان‌شناسی چه به صورت بررسی و چه بصورت کاوش، تنها شامل بررسی‌های سال ۱۹۷۵ میلادی استوارت سوینی در منطقه بیجار و میان دو آب بوده که علاوه بر شناسایی محوطه‌های مختلف به فرهنگ‌های شمال غرب و غرب در این دو منطقه اشاره نموده است (Swiny, 1975: 77-). به تازگی نیز بررسی‌های باستان‌شناسی در مقیاس محدود توسط هیأتی از مرکز کردستان در سال ۱۳۸۵ در منطقه بیجار انجام شده و در خلال آن چند تپه باستانی شناسایی گردیده است. قرار گرفتن در حدواسط مناطق فرهنگی شمال غرب و غرب ایران و مرکز فلات ایران و اجرای مراحل نهایی طرح سد و شبکه آبیاری و زهکشی تالوار جهت تامین آب کشاورزی اراضی منطقه، که متأسفانه حکایت از زیر آب رفتن محوطه‌های باستانی با غنی فرهنگی حوزه آبخیزی آن است ضرورت انجام این طرح را دوچندان می‌نمود. با توجه به بررسی محدود انجام گرفته در این حوزه و همچنین با در نظر گرفتن پتانسیل کلی منطقه، بدیهی است در صورت آبخیزی سد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محوطه‌های باستانی قرار گرفته در حوزه آبخیزی وارد خواهد آمد. عمده‌ترین هدف این پروژه، شناسایی و ثبت هرچه سریعتر محوطه‌هایی بود که در حوزه آبخیزی قرار دارند و ممکن است بر اثر آبخیزی سد آسیب ببینند. در گام بعدی، هدف معرفی محوطه‌های با پتانسیل نجات بخشی بود تا تمهیدات لازم برای کاوش نجات بخشی آنها در نظر گرفته شود. در پی دستیابی به این اهداف و با در نظر گرفتن سؤالاتی چون تعداد محوطه‌های باستانی، وسعت آنها، ارتباط مکانی و زمانی و چگونگی توالی استقرار آنها، برنامه بررسی این حوزه، تسلیم پژوهشکده باستان‌شناسی شد تا اقدامات لازم در این خصوص لحاظ گردد. مطالعات باستان‌شناسی حوضه آبخیزی سد تالوار در پاییز و زمستان ۱۳۸۶ آغاز گردید. در

اجرای این پژوهش مراحل انجام کار در دو مرحله کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفت. گردآوری نقشه‌ها، گزارشات، مقالات و تمامی اطلاعات سودمند و ... مجموعه فعالیت‌های مربوط به مرحله نخست را شامل می‌شود. مجموعه فعالیت‌های میدانی شامل پیمایش منطقه مورد بررسی (حوضه سد تالوار)، تهیه کروکی، عکاسی، نمونه برداری تصادفی ساده به درصد مورد نیاز در محوطه‌ها، مستندسازی یافته‌ها، شست و شو و پشت نویسی نمونه‌ها، ثبت اطلاعات مربوط به آنها، گزینش نمونه‌های شاخص، طراحی و عکاسی آنها و در نهایت تحلیل و مطالعه تطبیقی آثار با سایر محوطه‌های مجاور همزمان، از مراحل بعدی انجام این طرح بود.

جغرافیای منطقه مورد مطالعه

سد خاکی تالوار در ۲۵ کیلومتری جنوب جاده زنجان به بیجار، ۵۵ کیلومتر خارج از شهر بیجار واقع در مرز بین استانهای زنجان و کردستان بر روی رودخانه ای به همین نام قرار دارد. رودخانه تالوار از کوههای جنوب غربی قروه سرچشمه می‌گیرد و به خاطر عبور از روستای تلوار به این نام مشهور است (نقشه ۱ و نقشه رنگی ۱). شاخه‌های فراوانی به این رودخانه می‌پیوندند که مهمترین آنها از جنوب غربی به شمال شرقی: چم تیمزقلی، چم یالقوز آغاج، چم شورآو خان و چم شور در شهرستان قروه و از طرف دیگر: خرخرخه بیان، خرکوله بیان، چم حصار و چم خیلک در شهرستان قروه و چم دوازده امام، رودخانه چم و اوزون دره در شهرستان بیجار است. بیشتر رودخانه‌ها دارای آب دائمی هستند. چم تلوار از سرچشمه تا روستای تازآوای گامیشان بعد از خروج از حصار کوهستانی با جهت شمال شرقی از ساختمان طبقات رسوبی دشت پیروی می‌کند. این رودخانه با پیچ و خم‌های زیاد و دریافت شاخه‌های کوچک از شرق و غرب با بستری عمیق و پهن و جهتی شمال شرقی، نهایتاً در جنوب غربی شهرستان زنجان به قزل اوزن می‌پیوندد. منطقه مورد مطالعه (بیجار) دارای آب و هوایی نیمه خشک است. به علت ارتفاع زیاد منطقه نسبت به سایر مناطق استان، اختلاف درجه حرارت سردترین روز سال با گرم‌ترین روز سال به ۷۹ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. حداقل دما در منطقه مربوط به بهمن ماه با

نجات بخشی.

با دست یافتن به اهداف تعیین شده، می توان اهمیت و ظرفیت های آثار تاریخی و باستانی منطقه را نشان داده و با تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از بررسی، ارتباطات و برهم کنش های منطقه ای و فرا منطقه ای این ناحیه با نواحی مجاور و دور را مشخص کرد.

معرفی محوطه های شناخته شده

حوضه آبرگیر سد تالوار واجد طیف وسیعی از محوطه ها- احتمالاً دوران پیش از مس و سنگ تا دورانهای متاخر اسلامی- است (نقشه ۱ و نقشه رنگی ۱). جدول شماره ۱ بیانگر محوطه های یافت شده در خلال بررسی و گاهنگاری نسبی^۲ آنان است. در ذیل به اختصار به معرفی دوره ها و محوطه های شاخص در این حوزه مطالعاتی با در نظر گرفتن سن نسبی آنان خواهیم پرداخت:

محوطه های پیش از دوران مس - سنگ

تنها محوطه هایی که شاید بتوان آنان را مشکوک به پیش از دوران مس سنگی دانست، پناهگاههای صخره ای تنگ سیه هستند (Tal 07). علت اینکه این محوطه ها را شاید بتوان به ادوار پیش از هزاره چهارم منتسب نمود تنها توان بالقوه بالای زمین ریخت شناسی و موقعیت خاص قرارگیری آنان است. این محوطه ها در ۱۷۰۰ متری تاج سد و در ضلع شمال غربی آن قرار دارند. پناهگاه صخره ای اول دارای ابعادی به طول ۳۷ متر، عرض ۲ تا ۹ متر متغیر و ارتفاع ۱۵ متر است. در کف این پناهگاه آثار رسوبی زیادی دیده می شود. به علت ریزش مرتب سقف و استفاده از آن جهت نگهداری احشام، در رسوبات آن به جز چند تکه سفال اثر دیگری بدست نیامد.

کمی بالاتر از این محوطه، پناهگاه دیگری دیده شد که کمی کوچکتر از پناهگاه قبلی است. پناهگاه دوم دارای ابعادی به طول ۱۴ متر، عرض ۱ تا ۵ متر متغیر و ارتفاع ۸ متر است (تصویر ۱). در رسوبات سطح این اثر نیز به علت ریزش مرتب

۳۸ درجه سانتی گراد زیر صفر و حداکثر آن مربوط به ماه های تیر و مرداد با ۴۱ درجه سانتی گراد بالای صفر بوده است. متوسط بارش سالیانه منطقه ۴۳۹/۹ میلی متر است (رهنمایی، ۱۳۷۱: ۲۲۳).

روش انجام بررسی

روشهای گوناگونی در گردآوری دادههای باستان شناختی در بررسی معمول است که گزیدن هر کدام از آنها به شرایط منطقه ای و هدف های نظری و عملی پژوهش های باستان شناختی بستگی دارد (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۸۹). با توجه به اهمیت بررسی در مطالعات باستان شناسی، در پژوهش حاضر سعی بر این بوده که با یک بررسی دقیق و هدفمند، پرتوی هر چند اندک بر زوایای تاریک و ناشناخته باستان شناسی منطقه، افکنده شود. لذا با توجه به شرایط و از آنجایی که بررسی های میدانی مناسب ترین و سالم ترین روش برای تعیین موقعیت و شناخت ویژگیهای مکانهای باستانی و گردآوری اطلاعات کلی درباره تاریخ تحول اسکان جوامع در مناطق گوناگون هستند. با توجه به موارد اشاره شده در بخش ضرورت اجرای طرح و جهت روشن شدن تاریخ استقرار در حوزه مورد مطالعه، برنامه ای پژوهشی تهیه و تسلیم پژوهشکده باستان شناسی کشور گردید و با دریافت موافقت این سازمان مقدمات کار مهیا شد تا گروه بررسی^۱ در اسفندماه ۱۳۸۶ کار خود را با اهداف زیر آغاز کند:

- ۱- شناسایی و ثبت محوطه های باستانی از آغاز استقرار تا پایان سده های متاخر اسلامی (دوره قاجار).
- ۲- تدوین نقشه باستان شناسی حوزه آبرگیری سد که در آن پراکندگی، ابعاد، اندازه و وسعت تمام محوطه ها با توجه به گستردگی استقرارهای هر دوره نشان داده شود.
- ۳- تعیین نقش منابع زیست محیطی حوزه آبرگیری سد در روند شکل گیری محوطه های باستانی آن.
- ۴- پیشنهاد گاهنگاری نسبی محوطه های باستان شناسی شناسایی شده با استفاده از مقایسه داده های سفالی و سازه های معماری با محوطه های هم افق مناطق همجوار.
- ۵- شناسایی محوطه های کلیدی برای انجام عملیات کاوش و

۲- گاهنگاری نسبی محوطه ها با مقایسه سفالهای جمع آوری شده از سطح صورت گرفته است.

۱- با تشکر از اعضای این هیأت، آقایان: علی بیننده و حسین رضایی.

بعضی قسمت‌ها آهکی و سفید است. شیب برجستگی بلندتر، تندتر از برجستگی کوتاهتر است و در ضلع شمالی آن چند مسیل شکل گرفته است.

آثار سفالی متنوعی بر سطح هر دو برجستگی دیده می‌شود. البته پراکندگی در برجستگی بلندتر بیشتر است. عمدتاً می‌توان به سفال‌های نوع مس-سنگ، مفرغ، عصر آهن و دوران تاریخی اشاره کرد که بر سطح تپه پراکنده‌اند. سفال‌های دوره مس-سنگ آن را می‌توان در دو دسته زیر جای داد (تصویر ۴، تصویر رنگی ۱۰ و طرح ۲):

۱- سفالهای دست‌ساز با خمیر نخودی، دارای شاموت ترکیبی (گیاهی-کانی)، پخت نامناسب و پوشش قرمز صیقلی موسوم به سفال Red slip که بعضی ساده و بدون نقش‌اند و بعضی دیگر دارای نقش خطی در داخل و خارج ظرف است.

۲- سفال دست‌ساز با خمیر قرمز که دارای شاموت ترکیبی (گیاهی-کانی)، پخت نامناسب و پوشش گلی صیقلی موسوم به سفال Red slip که دارای نقش‌کنده خطی عمیق در داخل‌اند. نمونه ۵ این محوطه تا حدودی با نمونه‌هایی از پیشکوه شرقی (Goff, 1971, p.138, fig 3: 21, 38, 39)، نوسنگی جدید در تپه سراب ماهیدشت (Levine & Young, 1986:18, fig.1: 21)، سفال با نقش مشکی بر زمینه نخودی از فاز جدید سیاه بید (Levine & Young, 1986:30, fig.2: 14) و سفال قرمز بر زمینه نخودی در تپه سیاه بید (Levine & Young, 1986:32, fig.15:5) مشابه است. نمونه شماره ۲ از نظر ایستایی و نوع نقش، مشابه ظروف فاز قدیم سیاه بید (Levine & Young, 1986:30, fig.12:21) و نمونه ۱۲ از نظر فرم ظرف و ایستایی، با دوره پیزدلی «حسنلو VIII» مشابه‌اند (Dyson & Young, 1960:22, fig, I:1).

تپه صلوات آباد (Tal 14)

در ضلع جنوب شرقی روستای صلوات آباد قرار دارد. از نظر وضعیت توپوگرافی به صورت یک برجستگی کوچکی که دارای شیب ملایمی به اطراف است، بوده و نهایت ارتفاع آن نسبت به زمین‌های کشاورزی اطراف حدود ۱/۲۰ سانتی‌متر است. با بررسی سطح و دامنه‌های محوطه گونه‌های متنوعی از

سقف و استفاده از آن جهت نگهداری احشام، به جز چند تکه سفال اثر دیگری بدست نیامد.

محوطه‌های مس-سنگ

سه محوطه بنام‌های Tal 11، Tal 12 و صلوات آباد (Tal 14) به دوران مس و سنگ منتسب هستند.

محوطه Tal 11

این محوطه ۳۰۰ متر بالاتر از سه راهی روستای چهل امیران به صلوات آباد و در سمت شرقی جاده خاکی به روستا واقع شده و دارای ۱۲۵ متر طول، ۸۷ متر عرض است و چون سه برجستگی است، ارتفاع متغیری دارد. سه برجستگی این محوطه شیب نسبتاً ملایمی به اضلاع جنوب و غرب دارند. برجستگی بلندتر در شمال قرار دارد و ارتفاع آن از بستر رودخانه تالوار که در ۱۵۰ متری ضلع شمالی آن قرار دارد، ۴/۵۰ متر است. با توجه به وضعیت زیست محیطی محوطه و وجود رودخانه تالوار در ۱۵۰ متری ضلع شمال محوطه، می‌توان این محل را یکی از محوطه‌های استقرار مهمی دانست که در حوضه این رودخانه شکل گرفته است.

با بررسی سطح و دامنه‌های محوطه، گونه‌های متنوعی از سفال مشاهده، نمونه برداری و جمع‌آوری گردید. سفال‌های مس-سنگ، سفال‌های دست‌ساز با خمیر نخودی دارای شاموت ترکیبی (گیاهی-کانی)، پخت نامناسب و پوشش گلی غلیظ قرمز صیقلی موسوم به سفال Red slip هستند که ساده و بدون نقش‌اند. این آثار با توجه به ویژگی‌های سفالی در دسته سفالهای کالکولتیک جدید (گودین VI) قرار می‌گیرند (تصویر ۲، تصویر رنگی ۹ و طرح ۳). لازم به ذکر است که در میان سفالینه‌های یافت‌شده، سفال شاخصی جز سفال ساده با اسلیپ قرمز بدست نیامد تا با نمونه‌های بدست آمده از محوطه‌های شاخص غرب و شمال غرب کشور مقایسه گردند.

محوطه Tal 12

این محوطه به صورت دو برجستگی (یکی ۷ متر و دیگری ۲ متر ارتفاع) و با امتداد شرقی-غربی شکل گرفته است. خاک آن در

سفال مشاهده و به شرح زیر نمونه برداری گردید:
 ۱- سفالهای دست ساز با خمیر تیره دارای شاموت ترکیبی، (گیاهی-کانی)، پخت نامناسب و پوشش گلی غلیظ قرمز صیقلی موسوم به سفال Red slip که ساده و بدون نقش و مربوط به دوره مس و سنگ اند (تصویر ۶، تصویر رنگی ۱۱ و طرح ۳). نمونه های ۳ و ۶ در حالت ایستایی و جزئیات، مقطع و شکل شباهت نزدیکی با ظروف بدست آمده از قره تپه (کهره) هلیلان دارند (Goff, 1968:138, fig 2: 55). نمونه ۸ تشابهاتی را با نمونه هایی از رباط خرگوار در پیشکوه لرستان (Goff, 1968:136, fig 2: 26, 27) نشان می دهد.

محوطه Tal 12

آثار سفالی عصر مفرغ جدید و عصر آهن این محوطه بیشتر دارای خمیره نخودی با پوشش گلی و شاموت کانی اند (تصویر ۴، تصویر رنگی ۱۰ و طرح ۲). نمونه شماره ۳ سفالی ساده و بدون نقش با دهانه باز و مقطع انحناءدار را نشان می دهد که مشابه آن در گودین III₂ شناخته شده است (هنریکسون، ۱۳۸۱، شکل ۶۱: ۳ و ۴ و Henrickson, 1986, Fig 17: 14).

نمونه شماره ۱ با سفال های گودین II و احتمالا باباجان I قرابت دارد و به دوره پایانی عصر آهن تعلق می گیرد. این نمونه، کاسه هایی کم عمق با دهانه متمایل به داخل و بدنه ای نیم کروی را نشان می دهد که در تمپر بعضی از آنها مواد کانی ریز و ذرات میکا بکار رفته است (Young and Levine, 1974: 127, fig 45: 29 and p 133, fig 48, no 9 & p 135, fig 49, no 4 and Gopnik, 2003: 261, fig 2: 80). این نمونه با دسته افقی در امتداد لبه در سایت های عصر آهن III بویژه گودین II (Young and Levine, 1974: 9: 47, fig 131), طبقه IV دینخواه تپه (Hamlin, 1974: 133 no 4.5a), باباجان I (Goff, 1985: 3, fig 2: 32-33) و نوشی جان (Stronach, 1978: 14. Fig 6: 1-8) به وفور دیده می شود.

محوطه های با شواهد استقراری دوران تاریخی

در محوطه های شماره ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ آثار شاخص دوره های تاریخی اشکانی و ساسانی بدست آمد.

محوطه Tal 3

محوطه مذکور در ۴۰۰ متری ضلع شمالی روستای چهل امیران و در سمت شرقی جاده خاکی به روستا واقع شده است. دارای ۸۷ متر طول، ۴۶ متر عرض و ۴/۵ تا ۳/۵ سانتی متر ارتفاع از سطح زمین است. با بررسی سطح و دامنه های محوطه گونه های

سفال مشاهده و به شرح زیر نمونه برداری گردید:
 ۱- سفالهای دست ساز با خمیر تیره دارای شاموت ترکیبی، (گیاهی-کانی)، پخت نامناسب و پوشش گلی غلیظ قرمز صیقلی موسوم به سفال Red slip که ساده و بدون نقش و مربوط به دوره مس و سنگ اند (تصویر ۶، تصویر رنگی ۱۱ و طرح ۳). نمونه های ۳ و ۶ در حالت ایستایی و جزئیات، مقطع و شکل شباهت نزدیکی با ظروف بدست آمده از قره تپه (کهره) هلیلان دارند (Goff, 1968:138, fig 2: 55). نمونه ۸ تشابهاتی را با نمونه هایی از رباط خرگوار در پیشکوه لرستان (Goff, 1968:136, fig 2: 26, 27) نشان می دهد.

محوطه های مفرغ و عصر آهن

آثار شاخص این دوره ها در محوطه های شماره ۹ و ۱۲ شناسایی شده است.

محوطه جلو آسیاب (Tal 09)

این محوطه در دو کیلومتری جنوب تاج سد واقع شده است. از نظر وضعیت توپوگرافی شامل چند برجستگی طبیعی پیوسته به هم است که دارای شیب ملایمی به شرق و غرب بوده و با جهت شرقی-غربی به هم متصل بوده و از سمت جنوب دارای شیب تندتری هستند (تصویر ۸). سطح قاعده این تپه به صورت بیضی، دارای ۱۴۵ متر طول، ۱۱۴ متر عرض و بلندترین نقطه نسبت به سطح زمین های ضلع شمال غربی آن حدود ۷/۸۰ سانتی متر است. با بررسی سطح و دامنه های محوطه گونه های متنوعی از سفال مشاهده شد (تصویر ۹، تصویر رنگی ۱۲ و طرح ۴). سفال نوع مفرغ و آهن آن دارای ویژگی های زیر است:

- ۱- سفال با خمیر قهوه ای که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی قهوه ای ساده و چرخ سازند.
- ۲- سفال با خمیر قرمز آجری که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی قرمز و قهوه ای و چرخ سازند و یک نمونه دست ساز با پخت ناکافی نیز در میان آنها به چشم می خورد.

نمونه شماره ۵ از نظر فرم و تکنیک ساخت شبیه آثار سفالی طبقه IV دینخواه تپه (Hamlin, 1974:133, no 4.5a) و ظروف گودین II (Young & Levine, 1974:133, fig 48,)

۲- سفال با خمیر نخودی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی و چرخ سازند.

۳- سفال با خمیر قرمز آجری که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی قرمز و چرخ سازند. همه این سفال‌ها به استثناء یک مورد که دارای نقش کنده بر روی لبه بود، ساده هستند (تصویر ۴، تصویر رنگی ۱۰ و طرح ۲).

محوطه Tal 13 (تپه گوجه کند)

تپه مذکور به صورت یک برجستگی طبیعی در ۷۰۰ متری ضلع شرقی روستای گوجه کند، واقع شده است. دارای شیب تندی به اطراف بوده و از شمال به تپه ماهورهای طبیعی دیگر متصل است. سطح قاعده آن به صورت بیضی، دارای ۶۴ متر طول، ۲۷ متر عرض و ۵ متر ارتفاع نسبت به ضلع جنوبی است. در بررسی آن سفال‌هایی با مشخصات زیر بدست آمد (تصویر ۱۵، تصویر رنگی ۱۵ و طرح ۶).

شماره ۱ با خمیره قرمز کاسه ای با لبه برگشته به خارج است که مشابه نمونه شماره ۱ محوطه ۳ است. این نمونه دارای خمیره قرمز، شاموت کانی به همراه نقوش فشاری بر حاشیه فوقانی لبه بوده و با شیاری موجی تزئین شده است و احتمالاً از دوره پایانی ساسانی تا دوره اسلامی رواج داشته است. البته بدرستی معلوم نیست که این نوع سفال متعلق به دوره پایانی ساسانی و یا بومی ادوار اولیه اسلامی است.

شماره های ۷ و ۱۲ شامل خمیره های با دهان بسته و لبه برگشته به خارج و شیاری روی لبه از دیگر اشکال شناسایی شده ای هستند که قابل مقایسه با آثار سفالی قلعه یزدگرد (Keall & Keall 1981, Fig, 10 N: 12)، بیستون (علیزاده، ۱۳۸۲، شکل ۴: ۳) و ماه نشان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳، ص ۶۳: ۱-۳) اند.

محوطه های اسلامی

دوره اسلامی با داشتن ۱۴ محوطه بیشترین تعداد را در حوزه آبخیز سد به خود اختصاص داده است. از این تعداد محوطه چهار مورد پراکنش سطحی سفال (Tal 03, Tal 04, Tal 06, Tal 16)، دو مورد قبرستان (Tal 01, Tal 10)، یک مورد

متنوعی از سفال به شرح زیر بدست آمد (طرح ۵، تصویر ۱۲ و تصویر رنگی ۱۳):

۱- سفال با خمیر نارنجی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی بوده و چرخ سازند و به احتمال زیاد مربوط به دوره تاریخی.

۲- سفال چرخ ساز با خمیر قهوه ای تیره که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی و قهوه ای اند و به احتمال زیاد مربوط به دوره تاریخی-اسلامی.

۳- سفال چرخ ساز با خمیر قرمز آجری که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی اند و به احتمال زیاد مربوط به دوره اسلامی. همه این سفال‌ها به استثناء یک مورد که دارای نقش کنده بر روی لبه بود، ساده هستند.

شماره ۵ آن از نمونه‌هایی است که هم در دوره پارت و هم در دوره ساسانی قرار می‌گیرد. شماره ۱ با خمیره نخودی تیره کاسه ای با لبه برگشته به خارج است که مشابه نمونه‌هایی است که در آتشکوه محلات، ماهور سیاه محلات، چال ترخان ورامین و میل ملیون واقع در دلیجان محلات (رهبر، ۱۳۷۹) (هژبری، ۱۳۸۰، شکل ۱ طرح ۱، شکل ۲۴ طرح های ۱ و ۸ و شکل ۴۴)، چهار طاق نویس ساوه (Kleiss, 1985: 202, 207, Abb. 5: 3-4)، ماه نشان زنجان (خسروزاده/عالی، ۱۳۸۳: ۶۶، طرح ۱۳ شماره ۹) و تل ملیان I (Alden, 1978, fig 6: 22-24) بدست آمده است.

محوطه Tal 8

سفال این محوطه نیز مربوط به دوره تاریخی است (تصاویر ۱۳ و ۱۴ و تصویر رنگی ۱۴). شماره ۱ آن با لبه ای با شیاری در حاشیه فوقانی شبیه نمونه های بدست آمده از گنور قلعه Cyaurkala است که در مرو نیز گزارش شده است (Herrman, 1998, fig 3: 7).

محوطه Tal 12

سفال دوره تاریخی محوطه ۱۲ به قرار زیرند:

۱- سفال با خمیر نارنجی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نارنجی و چرخ سازند.

رنگی ۸ و طرح ۳):

۱- سفال های با خمیر نارنجی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی نارنجی، چرخ ساز، ساده و یا دارای نقش کنده موج اند.

۳- سفال با خمیر نخودی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی نخودی و چرخ ساز، ساده و یا دارای نقش کنده موج اند. سفال با نقش کنده موج مربوط به اوایل دوره اسلامی و اواخر دوره ساسانی است. این نوع سفالها با گونه های اواخر دوره ساسانی قابل مقایسه اند (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۵، شکل ۵ شماره T1.L59.2). از نظر نوع تزیین در تل ماهور در شمال بین النهرین عراق نیز این تزیین گزارش شده است (Ricciardi, 1970: 71, fig, 87-88 no 7 and fig 88, no 8-10 Keall تزیینات در قلعه یزدگرد یک سبک بسیار رایج است (and Keall, 1981: fig 26). این سبک تزیین در سفال محوطه های ۲، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ نیز به وفور مشاهده می شود.

محوطه Tal 15

تپه مذکور به صورت یک برجستگی دست ساز و در ۱۲۰۰ متری ضلع شمالی روستای صلوات آباد، واقع شده و دارای آثار سفالی از دوره های تاریخی و اسلامی است. با بررسی سطح و دامنه های تپه آثار سفالی بسیاری به شرح زیر مشاهده، نمونه برداری و جمع آوری گردید:

۱- سفال های با خمیر نارنجی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی نارنجی، چرخ ساز، ساده و یا دارای نقش استامپی دوران ساسانی اند.

۲- سفال های مربوط دوره اسلامی با خمیر قرمز که دارای شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی نخودی و چرخ سازند. در بعضی موارد لعاب لاجوردی بر روی آنها به چشم می خورد.

۳- سفال مربوط به اوایل دوره اسلامی با خمیر نخودی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی قرمز و چرخ سازند و بر روی بعضی نمونه های آن لعاب های کرم و سبز رنگ به چشم می خورد. نقش کنده روی بدنه و نقش کنده زیر لعاب از رایج ترین نقوش این نوعند (تصویر ۱۷، تصویر رنگی ۱۶ و طرح ۸).

قبرستان واقع بر روی تپه (Tal 05 تپه قبرستان رضا آباد) و ۷ مورد تپه (تپه کهنه چهل امیران-Tal 02، Tal 11، تپه گوجه کند Tal 13، تپه صلوات آباد Tal 14، Tal 15، Tal 16 و تپه کهریز Tal 17) هستند.

محوطه Tal 9

سفال اسلامی این محوطه به شرح زیر است: سفال با خمیر نارنجی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی و چرخ سازند و بر روی یک نمونه از آنها لعاب سبز رنگ و بر روی یکی دیگر نقش کنده به چشم می خورد. سفال با خمیر نخودی که دارای شاموت کانی، پخت مناسب و پوشش گلی نخودی و چرخ سازند و بر روی یک نمونه از آنها نقش کنده به چشم می خورد (تصویر ۹، تصویر رنگی ۱۲ و ۱۰ طرح ۴).

محوطه Tal 13

در این محوطه سفال با خمیر نارنجی، شاموت کانی، پخت مناسب پوشش گلی نارنجی، چرخ ساز، ساده و یا دارای نقش کنده موج و سفال با خمیر نخودی، شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی نخودی و چرخ ساز بدست آمد. در بعضی موارد لعاب قهوه ای تیره و در بعضی موارد هم نقش کنده زیر لعاب بر روی آنها به چشم می خورد. از دیگر سفال های این محوطه می توان به سفال با خمیر قرمز آجری، شاموت کانی، پخت مناسب، پوشش گلی قرمز و چرخ ساز که بر روی بعضی نمونه های آن لعاب های کرم و سبز رنگ به چشم می خورد. نقش کنده روی بدنه و نقش کنده زیر لعاب از رایج ترین نقوش این نوعند (تصویر ۱۵، تصویر رنگی ۱۵ و طرح ۶). این محوطه یکی از معدود محوطه های حوضه آبریز سد است که پراکندگی آثار در آن بسیار زیاد است. این پراکندگی بطور تقریبی ۲۰ قطعه در هر متر مربع است و می تواند به عنوان یکی از محوطه ها جهت انجام عملیات حفاری نجات بخشی انتخاب گردد.

محوطه Tal 14

در این محوطه دو نوع سفال دیگر علاوه بر نمونه های مربوط به دوران مس سنگ به شرح زیر بدست آمد (تصویر ۶، تصویر

برآیند

با توجه به مطالعه محوطه‌های شناسائی شده و یافته‌های سطحی حاصل از بررسی انجام گرفته، قدیمی‌ترین ادوار فرهنگی و استقرارهای اولیه این بخش منتسب به دوره مس سنگ است که نشانه‌های آن را در سه محوطه شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۴ می‌توان بدست آورد. بیشترین گسترش استقرارها، مانند تمام نواحی غرب کشور، مربوط به دوران اسلامی است. در خصوص این دوره لازم به ذکر است که با گسترش و تکامل سفال‌های لعاب دار و دارای نقش‌کننده زیرلعاب، گستردگی بیشتری نسبت به دیگر مراحل فرهنگی منطقه مشاهده می‌شود.

در یک رهیافت مقایسه‌ای با محوطه‌های مربوط به اواخر عصر برنز و عصر آهن در شمال، غرب و شمال غرب ایران، بقایایی از این دوره در بعضی از محوطه‌ها مانند ۹ و ۱۲ شناسایی گردید که حاکی از تشابه فرهنگی بین منطقه بیجار و مناطق یاد شده است. آثار سفالی این دوره از نظر شکل لبه، بدنه، فرم و تکنیک ساخت شبیه آثار سفالی طبقه IV دینخواه تپه (Hamlin, 1974:133, no. 4.5a)، ظروف گودین II (Young & Levine, 1974:133, fig. 48, no. 9 & Hamlin, 1974:135, fig. 49, no.4)، طبقه VI_b هفتان (Goff, 1968, p.122.) II و I و باباجان (1975:123, no. 4)، گیان III و گودین III₂ و حسلو III و IV (Hendrickson, 1985: fig 61) هستند.

قبرستان دوره تاریخی (قبرستان تنگ سیاه 08 Tal)، سکونت‌گاههای موقت و کوچرو دوره اشکانی که بر روی تپه ماهورهای طبیعی و در موقعیت‌های سوق الجیشی و نزدیک به منابع آب شکل گرفته‌اند به همراه بعضی از قلعه‌های دوره‌های تاریخی و اسلامی که بر بلندبها شکل گرفته (تپه کهریز Tal 17) از نشانه‌های مستند فرهنگی دوره‌های تاریخی و اسلامی بخش آبخیزی سد به حساب می‌آیند. در مناطق فرهنگی ایران شناخت ما از سفال دوره پارت بهتر از دوره ساسانی است. سفالینه‌های این دوره حتی محدودتر از دوره پارتی شناخته شده است. از سوی دیگر بعضی از سفال‌ها را می‌توان هم به دوره پارتی و هم به دوره ساسانی نسبت داد، همچنین برخی ویژگی‌های سفال دوره ساسانی نیز تا اوایل دوره اسلامی تداوم یافته‌اند.

بنابراین بدرستی معلوم نیست که این سفال متعلق به دوره ساسانی یا بومی ادوار اولیه اسلامی است. همچنین برخی از این ویژگی‌ها تا اواخر دوره سلجوقی قابل تعمیم است.

انتظارمان این بود که در قسمت مرکزی دشت به دلیل مساعد و هموار بودن و پستی زمین و عبور رودخانه دائمی تالوار، با محوطه‌های بیشتری روبرو شویم و نقشه پراکنش محوطه‌ها، گویای این نکته است. اکثر محوطه‌ها در حاشیه رودخانه و یا در نزدیک آن واقع شده‌اند. البته این احتمال وجود دارد که محوطه‌های پیش از دوران مس - سنگی این ناحیه به وسیله رسوبات طبیعی پوشیده شده باشند.

عدم انجام کاوش و لایه‌نگاریهای منظم باستان‌شناسی و نبود گاهنگاری مطلق در این منطقه، وضعیت خاص تپه‌های صلوات آباد و محوطه‌های شماره ۱۱ و ۱۲، به دلیل گستردگی و غنای آثار (آغاز استقرار از دوره مس و سنگ و ادامه توالی تا دوره اسلامی)، یک میدان مطالعاتی ایجاد کرده است که در کمتر مکانی می‌توان این شرایط را یافت. گمانه زنی و لایه‌نگاری این محوطه‌ها در کنار کاوش‌های علمی و روشمند محوطه‌های تنگ سیاه (پناهگاههای سنگی و قبرستان تنگ سیاه) و محوطه بوستان دره سی، می‌تواند مکمل و پوشش‌دهنده ابهامات و پرسش‌های موجود در نحوه گذار عصر نوسنگی به مس سنگی و همچنین گذار به دوره تاریخی باشد.

محوطه‌های چهل امیران و تپه گوجه کند، از جمله محوطه‌هایی هستند که در سده‌های اولیه اسلامی تا متأخر اسلامی به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های دوره اسلامی ایران قرار گرفته‌اند.

سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانیم از جناب آقای دکتر سید طه هاشمی معاون محترم سازمان و رئیس وقت پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، آقای دکتر سید مهدی موسوی کوهپیر سرپرست محترم وقت پژوهشگاه باستان‌شناسی، آقای دکتر حسن فاضلی نشلی رئیس محترم وقت پژوهشگاه باستان‌شناسی و همکاران محترمشان در شورای پژوهشی و امور مالی پژوهشگاه، جناب آقای مهندس فرهنگ فرخی رئیس محترم وقت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان

را از جناب آقای مهندس سفری مدیریت وقت پروژه سد تالوار برای همکاری مستمر و بی دریغ در فراهم آوردن شرایط لازم برای انجام بررسی اعلام داریم.

زنجان و همه عزیزانی که در طی مراحل بررسی به طرق مختلف با هیأت همکاری داشته و در انجام این امر ما را یاری رساندند؛ تقدیر و تشکر نمایم. جا دارد مراتب تشکر و قدردانی ویژه خود

منابع

الف) فارسی

علیزاده، عباس، ۱۳۸۲، *الگوهای استقرار و فرهنگ های پیش از تاریخی دشت شوشان*، ترجمه لیلا پاپلی یزدی / عمران گاراژیان، چاپ پژوهشکده باستان شناسی.

خسروزاده، علیرضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)»، مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشکده باستان شناسی)، تهران.

علیزاده، کریم، ۱۳۸۰، *مطالعه روابط فرهنگی دو سوی رود ارس: بررسی بررسی روشمند تپه باروج*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، *کاوشهای باستان شناسی خورمه*، تهران، موسسه انتشاراتی پارینه.

هژبری، علی، ۱۳۸۰، *مطالعه تطور فرهنگی دوره ساسانی بر اساس سفال (مورد محوطه باستانی ماهورسیاه)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان شناسی.

رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۷۱، *توانهای محیطی در ایران*، تهران، انتشارات رودکی.

هنریکسون، رابرت، ۱۳۸۱، «گودین III و گاهنگاری غرب مرکز ایران در حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ ق.م»، در *باستان شناسی غرب ایران*، به کوشش فرانک هول، زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.

علیزاده، عباس، ۱۳۸۰، *تئوری و عمل در باستان شناسی*، پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب) غیر فارسی

Alden, J. R., 1978, "Excavations at Tal-I Malyan: Part I, A Sassanian Klin," *Iran* 16: 79- 86.

Hamlin, C., 1974, The Early second millennium ceramic assemblage of Dinkha Tepe, *Iran*, Vol. XII, pp: 125-153.

Dyson, R. H., & Young, T. C. Jr., 1960, the solduz valley Iran: Pisdeli tepe. *Antiquity*, Vol. XXXIV, pp: 19-28.

Henrickson, R., 1985, The chronology of central western Iran (ca 2600 – 1400 B.C), *American journal of Archaeology* LXXXIX, pp: 569-581.

Goff, C., 1968, Luristan in the First millennium B.C., *Iran*, Vol. VI, pp: 105- 134.

Herrmann, G., Kurbansakhatov, K., et al. 1997, The International Merv Project, Preliminary Report on the Sixth Season, *Iran* 36: 53-75.

—————, 1971, *Luristan before the Iron Age*, Iran, Vol. IX, pp: 131- 151.

Keall, E. J. and M. J. Keall, 1981 , "The Qaleh-i Yazdgird pottery: A Statistical Approach", *Iran* 19: 33-81.

Gopeink, H, 2003, "The ceramic from Godin II from the late 7th to early 5th centuries BC". In: *Continuity of empire (?) Assyria, Media, Persia*, Edited by, Giovanni B. Lanfrnchi, Michael Roaf, Robert Rollinger, Padova.

Kleiss, W., 1985, "Der saulenbau von khurha", *AMI* 18: 173-180.

Levine, L., & Young, T. C. Jr., 1986, A Summary of The ceramic assemblages of the central western zagros from the middle Neolithic to the late third millennium B.C., Colloquies internationaux CNRS *Prehistoire de la Mesopotamia*, 17-18-19 December 1984P.17 Editions due CNRS: Paris.

Ricciardi, V. R., 1970, "Sassanian Pottery from Tell Mahuz", *Mesopotamia*, 5-6: 227-70.

Stronach, D., 1978, "excavation at tepe nush-I jan, part 2. Median Pottery from the fallen floor in the fort," *Iran*, 16: 11- 24.

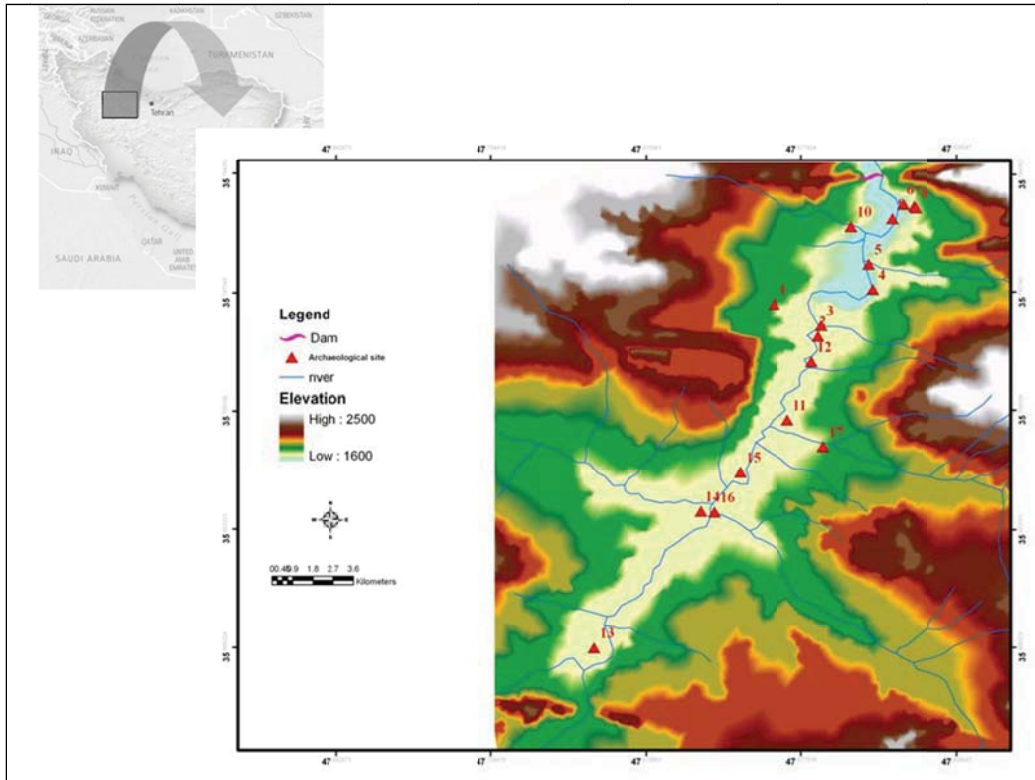
Swiny, S., 1975, "Survey in north-west Iran. 1971, *East and west*, Vol. XXV, Nos. 1-2. pp. 77-97.

Young, T. C. Jr., & Levine, L. 1974, Excavations of the Godin project: Second program report, Occasional Paper, *Art and Archaeology*, Royal Ontario Museum (Rome).

جدول شماره ۱- لیست کلی محوطه های شناسایی شده.

شماره محوطه	نام محوطه	عرض جغرافیایی	طول جغرافیایی	نوع محوطه	دوره	ابعاد (متر)	
						عرض طول	عرض
Tal 01	قبرستان چهل امیران	N۳۵°۵۴'۳۴	E۴۷°۱۲'۰۰	قبرستان	اسلامی	85	76
Tal 02	تپه کهنه چهل امیران	N۳۵°۴۳'۴۷.۷	E۴۷°۵۳'۰۳.۲	تپه	اسلامی	220	185
Tal 03		N۳۵°۴۴'۰۳.۲	E۴۷°۵۳'۰۷.۵	پراکنش سطحی	تاریخی، اسلامی	87	46
Tal 04	بوستان دره سی	N۳۵°۴۴'۵۵.۲	E۴۷°۵۴'۲۰.۶	پراکنش سطحی	اسلامی	46	37
Tal 05	تپه قبرستان رضاآباد	N۳۵°۴۵'۳۱.۰	E۴۷°۵۴'۱۵.۰	تپه	تاریخی، اسلامی	46	34
Tal 06		N۳۵°۴۶'۵۵.۶	E۴۷°۵۵'۰۴.۲	پراکنش سطحی	اسلامی	180	83
Tal 07	تنگ سیاه	N۳۵°۴۶'۵۲.۷	E۴۷°۵۵'۱۹.۶	پناهگاههای صخره ای	پیش از مس-سنگی؟	14	5
Tal 08	قبرستان تنگ سیاه	N۳۵°۴۶'۵۰.۴	E۴۷°۵۵'۲۲.۰	قبرستان	اشکانی؟	38	33
Tal 09	جلوآسیاب	N۳۵°۴۶'۳۵.۲	E۴۷°۵۴'۴۸.۷	تپه	مفرغ، آهن و اسلامی	145	114
Tal 10	قبرستان روستای متروکه	N۳۵°۴۶'۲۳.۷	E۴۷°۵۳'۴۹.۸	قبرستان	اسلامی	.	.
Tal 11		N۳۵°۴۱'۴۸.۵	E۴۷°۵۲'۱۹.۱	تپه	مس-سنگ، اسلامی	125	87
Tal 12		N۳۵°۴۳'۱۱.۲	E۴۷°۵۲'۵۳.۶	پراکنش سطحی	مس-سنگ، مفرغ، آهن، تاریخی	.	.
Tal 13	تپه روستای گوجه کند	N۳۵°۳۶'۲۱.۸	E۴۷°۴۷'۴۲.۲	تپه	تاریخی، اسلامی	64	27
Tal 14	تپه صلوات (صلوات) آباد	N۳۵°۳۹'۳۷.۱	E۴۷°۵۰'۱۴.۶	تپه	مس-سنگی و اسلامی	150	88
Tal 15		N۳۵°۴۰'۳۳.۴	E۴۷°۵۱'۱۰.۹	تپه	تاریخی / اسلامی	185	15
Tal 16		N۳۵°۳۹'۳۶.۰	E۴۷°۵۰'۳۳.۸	پراکنش سطحی	اسلامی	31	20
Tal 17	تپه کهریز	N۳۵°۴۱'۱۰.۱	E۴۷°۵۳'۱۰.۲	تپه	اسلامی	47	34

تصاویر



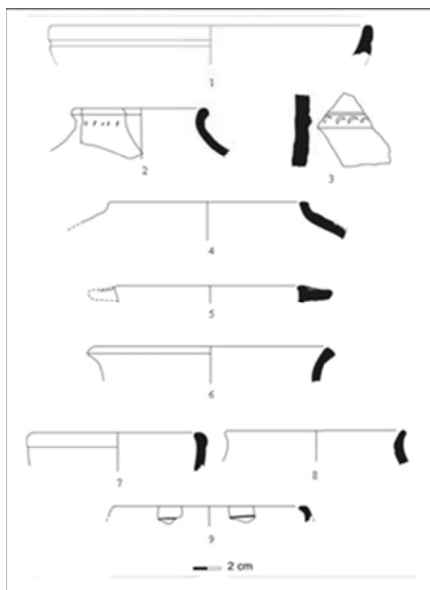
نقشه ۱- نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه و پراکنش محوطه های یافت شده در حوضه آبرگیر سد.



تصویر ۱- پناهگاه صخره ای تنگ سیه.



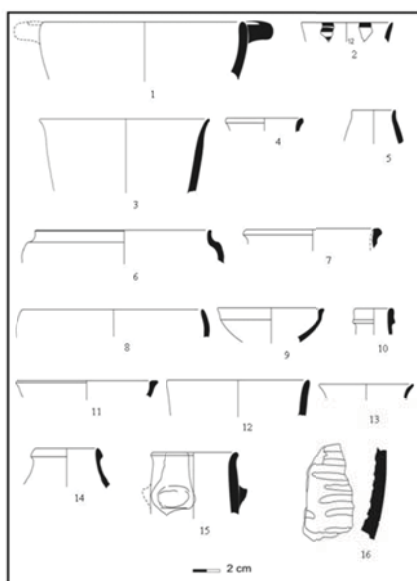
تصویر ۲- سفالهای جمع آوری شده محوطه ۱۱.



طرح ۱- طرح سفالهای جمع آوری شده محوطه ۱۱.



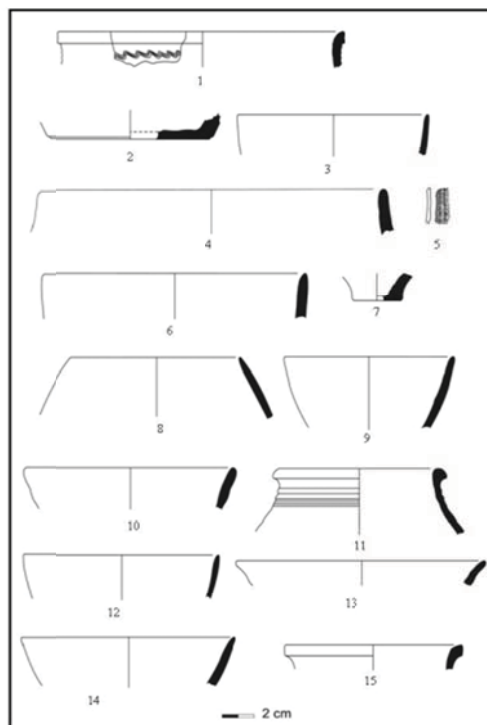
تصویر ۴- سفالهای جمع آوری شده محوطه ۱۲.



طرح ۲- طرح سفالهای شاخص محوطه ۱۲.



تصویر ۶- سفالهای جمع آوری شده از تپه صلوات آباد (محوطه ۱۴).



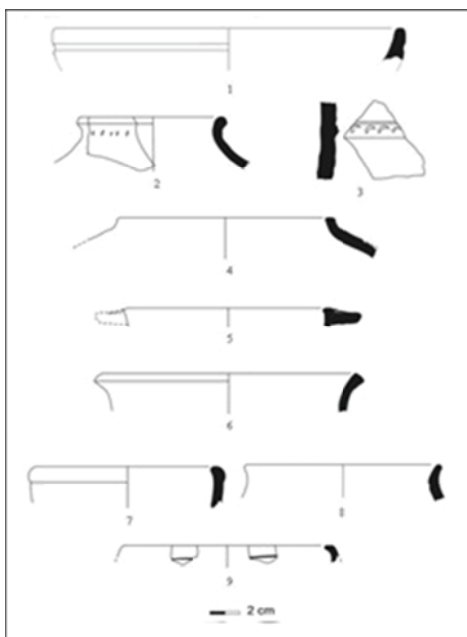
طرح ۳- طرح سفالهای شاخص از تپه صلوات آباد (محوطه ۱۴).



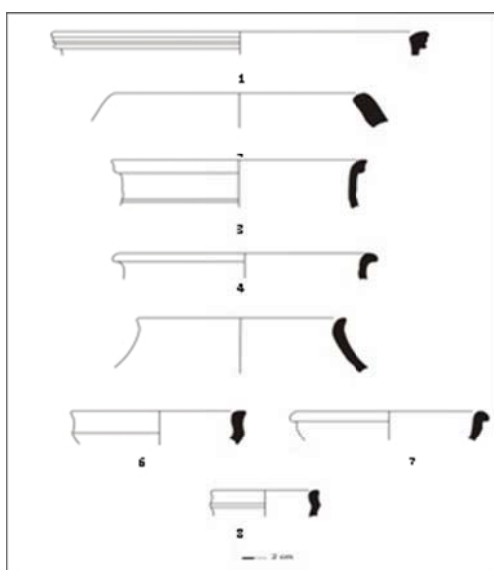
تصویر ۸- محوطه جلوآسیاب (Tal 09)، نمای ضلع غربی.



تصویر ۹- سفالهای جمع آوری شده محوطه جلو آسیاب (Tal 09).



طرح ۴- طرح سفالهای شاخص از محوطه جلو آسیاب (Tal 09).



طرح ۵- طرح سفالهای شاخص محوطه ۳.



تصویر ۱۲- سفالهای شاخص محوطه ۳.



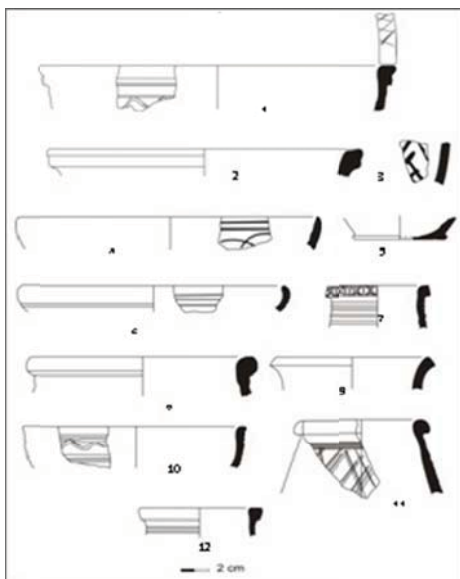
تصویر ۱۳- نمای ضلع شرقی قبرستان تنگ سیه (شماره ۸).



تصویر ۱۴- سفالهای جمع آوری شده قبرستان تنگ سیه (شماره ۸).



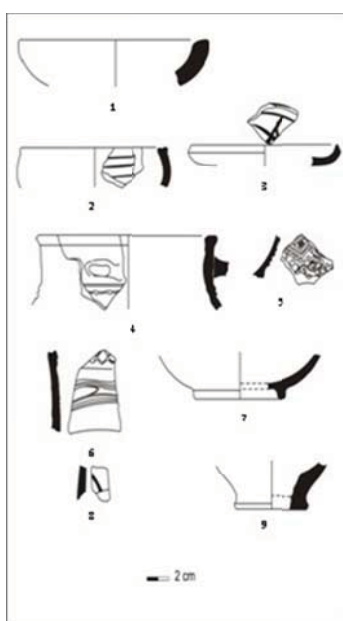
تصویر ۱۵- سفالهای جمع آوری شده از تپه روستای گوجه کند (محوطه ۱۳).



طرح ۶- سفالهای شاخص تپه روستای گوجه کند (محوطه ۱۳).



تصویر ۱۷- سفالهای جمع آوری شده از محوطه ۱۵.



طرح ۷- طرح سفالهای جمع آوری شده از محوطه ۱۵.